مینا احدی روز ٢٨ آوریل در شهر توبینگن به دعوت سازمان هومانیستها و همچنین سازمان دفاع از حقوق زنان " تره ده فام" سخنرانی کرد. روز ٣٠ آوریل روزنامه تاگ بلات توبینگن مطلبی به قلم لیندا پای کرت منتشر کرد که در اینجا ترجمه آنرا ملاحظه میکنید:



**علیه حجاب، برای سکولاریسم!**

سالن محل برگزاری کنفرانس مینا احدی روز شنبه پر بود از علاقمندان. هومانیستهای توبینگن او را دعوت کرده بودند، او موسس و مسئول نهاد اکس مسلم در آلمان است.

او در ایران متولد شده و در آنجا بزرگ شده است، در دوره دانشجویی مینا احدی با اپوزیسیون چپگرا علیه حکومت شاه و در دفاع از حقوق زنان و مردم ایران فعالیت میکرده است. او در سخنرانی خود در مورد تعقیب فعالین سیاسی بعد از شکست انقلاب در ایران در سال ١٩٧٩ و از عزیزان خود حرف میزند که در این دوره آنها را از دست داده است. احساسات او در طول سخنرانی کاملا مشهود بود او گفت" بعد از روی کار آمدن جنبش اسلامی در ایران گفتند یا روسری یا توسری، اولین حملات به زنان بود." او در آنزمان قبول نمیکند حجاب بر سر کند برای احدی حجاب یک وسیله کنترل زنان است او حجاب را با زندان متحرک مقایسه میکند.

حکومت اسلامی حجاب را با دستگیری و اعدام و سنگسار ادامه میدهد، "این زن ستیزی آشکار است" هزاران زن در آن دوره به خیابان رفتند تا علیه این حجاب اجباری مبارزه کنند. "ما زنان تظاهرات کننده سپس از طرف مردان مسلح و ریشو مورد حمله قرار گرفتیم.

در ایران بدلیل فعالیتهایش او را غیابا به اعدام محکوم کردند. بهمین دلیل او مخفی شده و سپس روانه کردستان ایران شده است. او در آنجا ده سال زندگی میکند تا شرایطی برایش فراهم شد که به وین پناهنده شود. "من در مورد اطریش یک بروشوری را خواندم که نوشته بودند در وین طول عمر زنان بیشتر از مردان است و من گفتم اوکی میروم آنجا!" احدی با لبخند اینرا میگوید.

او در اطریش و سپس در آلمان فعالیتهایش را پی میگیرد و میخواهد در دنیا افشاگری کند که در ایران چه خبر است. در وهله اول بر علیه سنگسار فعالیت میکند "زنانی که سکس خارج از ازدواج داشته باشند در یک کفن دفن شده و آنها را در یک گودال انداخته و آنقدر سنگ بطرف این زنان پرتاب میکنند تا زجرکش شوند" اینرا احدی میگوید.

مینا احدی همین را در کنگره جهانی حقوق بشر در وین برای حاضرین ترسیم میکند، او میگوید "من تصور میکردم که اگر دنیا بفهمد در ایران چه خبر است و حکومت اسلامی با زنان چه میکند ساعتها و کارخانه ها از حرکت می ایستد" احدی میگوید برخلاف تصور من سیاستمداران و مسئولین دولت آلمان مثلا در برلین با نگاه سرد به من پاسخ میدادند، که نمیتوان کاری کرد.

او در سال ٢٠٠١ کمیته بین المللی علیه سنگسار را سازمان داد، در سال ٢٠٠٨میگوید یک جوان ١٨ ساله به او زنگ میزند و خبر میدهد که مادرش، سکینه محمدی آشتیانی را میخواهند سنگسار کنند، بدنبال یک کمپین بین المللی میتوانند او را نجات دهند و از سال ٢٠١٠ در ایران هیچکس را نتوانستند سنگسار کنند. ٢٠٠٤ احدی کمیته بین المللی علیه اعدام را سازمان داد. یک موضوع مهم برای او اینست که محکومین به اعدام را برای مردم دنیا معرفی کند و به دیگران نشان دهد آن کسی که در خطر اعدام است یک انسان است مثل همه، با پخش عکس محکوم به اعدام ویا مصاحبه با او به مخاطبین نشان میدهد چه کسانی در سلول مرگ نشسته اند. او میگوید باید بتوانیم برای مردم دنیا روشن کنم که وقتی یک نفر اعدام میشود، این برای خانواده و کسانی که در جریان قرار میگیرند چه معنایی دارد. او برای این کار از عکس استفاده میکند و در مواردی مصاحبه با افراد خانواده های محکومین به اعدام.

در آلمان احدی خشمگین است که در سالهای اخیر بیش از پیش به او و چند میلیون پناهنده و مهاجر از کشورهای اسلام زده، مهر "مسلمان" زده اند، برای او که از دست حکومت اسلامی ایران فرار کرده است. او میگوید من بسیار ناراحت هستم که در اروپا و آلمان این همه حجاب می بینم. "حجاب یک مدل لباس و یا یک تکه پارچه نیست این یک سمبل و علامت سیاسی است" حجاب نشانه قدرت گرفتن یک گروه ضد زن و ضد انسان، یعنی جنبش اسلامی واسلام سیاسی است!

درشهر بن یکبار دختری که آشنای احدی بود به او زنگ میزند و میگوید سه مرد مرا محاصره کرده و میگوید چرا حجاب ندارم، احدی فورا به پلیس زنگ زده و خواهان اجازه برگزاری یک میتینگ میشود، او میگوید "فقط کسانی که با صدای بلند اعتراض میکنند، شنیده میشوند"

او کنفرانس اسلام را نقد میکند و خواهان لغو این کنفرانس است. برای مینا احدی نفوذ سازمانهای اسلامی در آلمان سکولاریسم را تهدید میکند. گفتن این حرفها ابدا راسیستی نیست بلکه هومانیستی و در دفاع از حقوق زنان است. او بر روی حمایت قابل توجه دولت آلمان و احزاب نمیتواند حساب کند. احدی با نمایندگان احزاب مختلف حرف زده است اما "آنها ابدا علاقه ای ندارند سیاست اشان را تغییر دهند" او احتیاج به همکاری و حمایت "مردم عادی" دارد. مثلا مردمی که با علاقه به سخنرانی های او گوش میدهند.

احدی همواره تحت مراقبت پلیس است و نامه های تهدید آمیز میگیرد. او میگوید من ابدا ترسی از آنهایی که روبروی من ایستاده اند، ندارم. او میگوید من میتوانم پاسخ همه آنها را بدهم. " مسئول شورای مسلمانان آلمان که یک مرد است به نام ایمان مازیاک را بیاورید در مقابل من مینا احدی مسئول نهاد اکس مسلم اینجا، من او را با حرفهایم له خواهم کرد.

گزارش دیگری از سخنرانی در سایت هومانیستها

<http://rolandfakler.de/?p=3152>